

اتاق پالتاکی «شورا» برگزار می‌کند

موضوع : حاکمیت شوراها و آلترناتیوهای رقیب

زمان : جمعه بیست و هفتم مارس 2020 / هشتم فروردین 1399

ساعت 19:00 تا 22:00 به وقت اروپای مرکزی، 22:30 تا 01:30 به وقت ایران

: آدرس پالتاک

Categories > Social Issues & Politics > Government & Politics & Shoura

حضور برای همگان آزاد است

اتاق پالتاکی شورا 21/03/2020

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

گزارش جلسه پیشین

سمینار پالتاکی حاکمیت شوراها و آلترناتیوهای رقیب

13 مارس 2020

در این جلسه به منظور ارایه و گشودن بحث رفیق کاوه نوشته زیر را ارائه داد:

الف- ضرورت بحث در این باره

1

همواره و هم اکنون با شدت و ضرورتی صدچندان کنکاش و پرس و جو درباره ماهیت حاکمیت و دولت از اهمیتی اساسی و روشن‌گر برخوردار بوده است. در طول تاریخ طبقات اجتماعی حاکم و مسلط نظم و شیوه حاکمیت و سلطه‌گری و تداوم استثمار را به شیوه‌های متناسب با قدرت و ظرفیت تاریخی خود محقق ساخته اند. در دوران تحول از شرایط اقتصادی-اجتماعی پیشاسرمایه داری و عصر مدرن سرمایه‌داری، ساختار دولت و نظم محتمل و دلخواه از اهمیت افزون تری برخوردار بوده است؛ به طوری که در هر دو گروه کشورهای پیشرفته سرمایه داری و نیز جامعه‌های در حال توسعه و یا توسعه نیافته، آرایش و نظم سیاسی حاکم به اصطلاح رژیم سیاسی و ساختار دولت -تتوعی از این ساختارها را مشاهده می‌کنیم: از دولت لیبرال دموکرات، محافظه‌کار، دموکرات مسیحی و سوسیال دموکرات تا اقتدار طلب، سلطنتی، دیکتاتوری و فاشیسم آشکار در آلمان و ایتالیای دهه‌های ۳۰ و ۴۰ میلادی. این صف بندی در کشورهای تازه پای گذارده در نظم سرمایه سالارانه از تنوع به مراتب استبدادی تر، ضد دموکراسی، دیکتاتوری مذهبی و شریعت مدارانه، سلطانی، خلیفه‌گری و سلطنتی و اخیراً ولایت مطلقه فقیه و مانند آن مشاهده شده است.

2

رهبری جنبش‌های کارگری، جنبش‌های اجتماعی، اقلیت‌های قومی و ملی و مانند آن از طریق طرح و پیشبرد دولت آلترناتیو پیش برده می‌شود: رهبری سیاسی در گرو پذیرش توده‌ها از آلترناتیو سیاسی آینده رقم می‌خورد. آن حزب و گروه و طبقه اجتماعی که در پیگیری و ترویج و تحقق آلترناتیو سیاسی

و شکل و ساختار دولت آینده موفق تر باشد و با اقبال عمومی بیشتری مواجه شود، شانس هژمونی و رهبری و فرماندهی در کشاکش های جاری را به میزان بیشتری از آن خود می سازد

3

از سوی دیگر در پس هر آلترناتیو سیاسی منافع طبقه یا طبقات معینی پنهان است. شعارها، تاکتیک ها، سبک کارها، برنامه ها و مطالبات برشمرده و اعلام شده از سوی دسته های سیاسی دقیقاً و تحقیقاً از میان همین منافع برخاسته می شود.

4

در تحلیل نهایی به گمان ما همه آلترناتیوهای سیاسی در دوران کنونی و به ویژه در کشورهای توسعه نیافته از تراز ایران و ترکیه و مانند آن در دو طیف پلاریزه میشود: حاکمیت طبقات مسلط کنونی و ادامه نظام استثماری توده های کارگر و زحمتکش از یک سو و حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر علیه نظم موجود و محور نظام بهره کشی از کار غیر از سوی دیگر. به طور کلی اولی بر پارلمانتاریسم، استبداد به ظاهر مشروطه، تفکیک قوا، مای ناسیونالیسم و تقویت دولت-ملت سرمایه سالارانه و پرچم سه رنگ استوار است؛ و دومی بر شوراهای کارگران و زحمتکشان و توده های وسیع خلق ها متکی است. ما کمونیستها متعلق به اردوی کار و زحمت هستیم و بنابراین حاکمیت شوراهای کارگران و زحمتکشان آلترناتیو سیاسی ما برای جایگزینی نظم موجود است.

ب- چند پیش فرض / نهاده / گزاره

دولت و حاکمیت شورایی مبتنی بر چند گزاره می باشد:

1

شوراها شکل طبیعی سازمان یابی توده ای در مبارزه در دوران انقلاب است. هیچ شکل دیگری از مبارزه توده ها تا این اندازه رادیکال، طبیعی، خودانگیخته و مستقیم نیست.

2

شوراها و حاکمیت آنها ادامه طبیعی شوراهای انقلابی دوران گذار از نظام استبدادی و رژیم حاکم است؛ اما همین امر طبیعی صرفاً با اراده و خواست توده ای و انجام اقدامات وسیع انقلابی امکانپذیر است.

3

نقش احزاب و سازمان های چپ و انقلابی تابعی از جنبش خودانگیخته طبقاتی است که نمی تواند از سطح این مبارزات فراتر رود. میزان تاثیر گذاری آن ها تابعی از میزان آمادگی توده ها برای پیشبرد انقلاب است.

4

رهبری جنبش انقلابی از درون همین جنبش های خودجوش بر خواسته می شود. تجمع و تمرکز این رهبری در احزاب چپ نمی تواند مستقل از آمادگی و پذیرش هزاران فعال جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی دیگر باشد. رهبری انقلاب به طور واقعی و عینی متعلق به تجمع و تشکل شوراهای انقلابی است. نقش احزاب تبعی و درجه دوم است.

5

شوراهای انقلابی عالی ترین ارگان سیاسی و حاکمیتی دولت آلترناتیو می تواند باشد. این امر در صورت تحول انقلابی و دموکراتیک-سوسیالیستی امکان پذیر است. هیچ نهاد دیگری نمی تواند بر آن اتوریته و برتری و تقدم داشته باشد. احزاب و سازمانهای سیاسی تابعی از حاکمیت شوراهای انقلابی می باشند.

6

بنابراین دولت شورایی یک دولت غیرحزبی و به طور ارگانیک نماینده مستقیم صف بندی های طبقاتی درون شوراهای کارگری و مردمی می باشد.

ج-ادامه بحث جلسه:

در ادامه به تجربه شوراهای کارگری در انقلاب های آلمان، ایتالیا، مجارستان و ایران اشاره شد و اینکه شرایط اقتصادی اجتماعی ایران کاملاً با دوران ابتدایی ورود سرمایه داری در این کشور متفاوت بوده هم اکنون سرمایه داری در کلیه روانه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور غلبه دارد. در ارتباط با مناسبات با احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی ایران یک نظر بر آن بود که آنها کاملاً از جنبش کارگری بیرون و منزوی بوده و گرایش شورایی نبایستی به آنها توجهی نکند. جنبش شورایی بایستی فعالیت خود را در داخل و در میان کارگران به عمل آورد. احزاب و سازمان های مدعی کمونیسم روشنفکرانی هستند که نبایستی با آنها تعاملی انجام داد.

نظر دیگر بر آن بود که چپ ایران در هر حال جزء نیروهای انقلابی ما هستند و ما نمی توانیم آنها را نادیده بگیریم و بایستی راه گفتگو و همکاری با آنها باز باشد؛ به ویژه آن که گرایش و جنبش شورایی در اقلیت بسیار ضعیفی می باشد.

پرسش هایی در جلسه به قرار زیر مطرح گردید و تمایل بر این بود که بحث با دنبال کردن این پرسش ها و ارزیابی آلترناتیو شورایی به صورت دو هفتگی در روزهای جمعه ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی در پالتاک شورا ادامه یابد.

پرسش ها:

1 - چه عواملی باعث گرایش به راست و یا چپ در یک جامعه می شود؟ نشانه های آن چگونه پدیدار می گردد؟

پاسخ: عوامل در هر جامعه ای و در زمانهای مختلف متفاوت است. به طور کلی این موارد برشمرده شده است:

به طور اخص در جنبش کارگری گرایش به راست ناشی از رقابت داخلی در میان کارگران، فقدان آگاهی طبقاتی، فقدان آگاهی سوسیالیستی، فقدان حقوق و آزادیهای دموکراتیک، جوان بودن جنبش و ریشه های سنتی و دهقانی در ترکیب جمعیتی کارگران، رشد و توسعه اندک اقتصادی و صنعتی و موارد تاریخی دیگر است.

2- شورا ها چگونه تشکیل می شوند؟ روند شکل گیری شوراها چگونه است؟ تنوع شوراها به چه قرار است؟

3- چپ و راست جامعه چگونه تعیین می شود؟ منظور از چپ و راست در یک جامعه چیست؟ مثلاً تدافعی و تهاجمی بودن جنبش کارگری چه تاثیری بر این گرایش ها دارد؟

ما گردانندگان پالتاک شورا همه رفقا را به شرکت و مداخله گری در این گفتگو دعوت می‌کنیم